

## چکیده ی مطالب:

این پژوهش نخست در مورد آفرینش انسان از دیدگاه اساطیر ایران بحث میکند و از آفرینش شخصیت‌هایی چون اهریمن، اورمز، جدال بین آن دو و گیومرث (پیش نمونه ی نسل بشر) سخن به میان می آید و به وجود آمدن نخستین زوج بشر یعنی خواهر و برادر همزاد (مشی و مشیانه) از گیاهی که توسط نطفه ی گیومرث میروید. سپس آفرینش انسان را از دیدگاه اساطیر هند مورد بررسی قرار میدهد و پروشا (غول خدایی که خود را قربانی میکند و بشر و آفریدگان از تن او به وجود می آیند) و مانو و برهما سخن به میان می آید که در پایان به هم پیوند می خورند و یکی میشوند و ازدواج خواهر و برادر همزاد به نام یمه و یمی و تداوم نسل بشر توسط آنها پس از بررسی این دو مورد به صورت جدا نکات تشابه آن دو را مورد بررسی قرار داده و در قالب نتیجه گیری بیان میشود.

## کلید واژه ها:

زروان، اورمز، اهریمن، گیومرث، مشی و مشیانه، پروشا، مانو، برهما، یمه یمی

## مقدمه:

اسطوره های هر ملت نمایی از فرهنگ و تمدن آن ملت است و فرهنگ و تمدن غنی آریاییان غیر قابل انکار. در این بین اساطیر ملی ایران تشابه زیادی با اسطوره های هند دارد. نه تنها با هند بلکه به گونه ای اساطیر ملل مختلف با هم پیوند خورده اند و این خود نمود اعتقادات نسل بشر است. نیاز به دانستن و کشف حقیقت در نهاد بشر باعث به وجود آمدن اسطوره ها شده هر چند برخی از اساطیر در پایه واقعیت دارند اما به خاطر قداستی که برای مردم هر ملت دارد کم کم شاخ و برگ پیدا کرده و به صورت داستانهای غیر قابل باور در آمده اند و هر چه از زمان پیدایش آن اسطوره ها میگذرد بر شاخ و برگ آن افزوده و از حقیقت دور تر میشوند. گاهی بر زیبایی اساطیر نیز افزوده میشود. اساطیر ایران باستان جایگاه بالایی دارد و فرهنگ پر بار ما را میشناساند البته جغرافیا در فرهنگ هر ملت تاثیر می گذارد و در ایران فرهنگهای متفاوت به نوبه ی خود اساطیری را آفریده اند مردم مغرب ایران از مراکز یونان و روم و مردم شرق بیشتر تحت تاثیر هند و مشرق زمین قرار داشته اند و این میان ایران پلی بین اساطیر شرق و غرب است. این پژوهش در زمینه مقایسه ی اساطیر ملی ایران و هند است که همانطور که مشخص شد بیشتر اعتقادات قسمت شرق ایران مورد بررسی قرار می گیرد. امید است که مورد توجه قرار گیرد.

## آفرینش انسان از دیدگاه اساطیر ایران:

آفرینش در ایران باستان در محدوده ی دوازده هزار سال انجام میگردد. این دوازده هزار سال به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم میشود. در دوران نخستین عالم مینوی و دورانهای بعد مینوی و گیتی است. در سه هزار سال اول که جهان مینوی است و هنوز نه مکان هست نه زمان و جهان فارغ از ماده و حرکت است. از دوده ی هستی سخن به میان میاید؛ یکی جهان متعلق به اورمز که پر از نور، زندگی، دانایی، زیبایی، خوشبویی، شادی تندرستی، است و مجموعه ای است از هر آنچه ذهن میتواند راجع به دنیای خوبی بیاندیشد. دوم جهان بدی متعلق به اهریمن که تاریک است و زشت و مظهر نا بودی و بد بویی و بیماری و غم و مجموعه ای است از هر چه ذهن میتواند راجع به دنیای بدی بیندیشد.

در گاهان بخش کهنتر اوستا سپند مینو (روح مقدس و جلوه ی اورمز) و انگره مینو (روح خرابکار، اهریمن) چون دو همزاد به شمار میروند و سپس اورمز مستقیماً در برابر اهریمن قرار میگیرد و بعد ها در باور های زروانی) احتمالاً از دوره ی هخامنشی به بعد) اصل این دورا یکی میدانند.

در اوستا در مورد این دو روح اینگونه سخن به میان آمده " در دامان هستی آنگاه که زمان مفهومی نداشت آن دو گوهر همزاد نخستین پیدا شدند آن دو گوهری که یکیشان در اندیشه و گفتار و کردار نیک بود و دیگری زشت؛ از میان این دو مردمان با داوری خرد بایستی راه نیک را برگزینند نه راه بد.

در نوشته های پهلوی زروان به عنوان خدای زمان شناخته شده و در ایین زروانی زروان خدایی است که در زمانی که عدم حاکم است دعا و نیایش های فراوانی به جا می آورد تا دارای فرزندی با ویژگیهای نیک و درست شود تا جهان توسط او آفریده شود بعد از هزار سال زروان در به ثمر رسیدن دعاهایش شک می کند و در همان لحظه نطفه در بطن او بسته می شود. نطفه ی اورمز که ثمره ی نیایش زروان و نطفه ی اهریمن که ثمره ی شک او بود. و زروان با خود عهد می بندد که اولین فرزندی که متولد شود فرمانروای جهان باشد. اهریمن از این جریان مطلع شده و قبل از اورمز متولد می شود. زروان ناچار طبق عهدی که بسته بود اهریمن را برای مدت زمان نه هزار سال باقیمانده فرمانروای جهان می کند و با اطمینان به اینکه در پیکاری که در پایان جهان رخ خواهد داد اورمز پیروز خواهد شد و به تنهایی و تا ابد فرمانروایی خواهد کرد.

اولین آفریده های اورمزد ( امشاسپندان) هستند که بنابر روایتی شش و یا هفت امشاسپند هستند ، جلوه ای از اور مزد هستند که هر کدام از جانب پدیده های اهریمنی دشمنی دارند. پس از آنها ایزدان آفریده میشوند که نقطه ی مقابل آنها دیوان قرار دارند.

بر خلاف اور مزد که از وجود دنیای بعدی آگاه است اهریمن از وجود دنیای اهورایی هیچ اطلاعی ندارد . با وجود اینکه اورمزد قدرت متوقف کردن نیروی اهریمنی را دارد چنین نمی کند چون باید انرژی اهریمن تحلیل رود تا بتواند بر آن غلبه شود و در صورتیکه توقف اهریمن سبب می شود که بدی با همان قدرت در قلمرو نیکی بماند به این خاطر اورمزد اهریمن را با فرستادن فروغی از دنیای روشنایی از وجود این دنیا آگاه می کند.

اهریمن در مقابل اورمزد قرار میگیرد و اورمزد پیشنهاد صلح می دهد به شرطی که اهریمن آفرینش او را بستاند و اهریمن از قبول این پیشنهاد سر باز می زند. اورمزد برای جلوگیری از جدال ابدی با اهریمن پیشنهاد تعیین زمانی برای آخرین نبرد را می دهد و اهریمن نادان می پذیرد. به این ترتیب نابودی بی چون وچرای خود را در نه هزار سال بعد حتمی می کند. چون در این نه هزار سال نیروی اهریمن به تدریج از بین می رود و بعد از این پیمان با خواندن دعای راستی (اهونور ) توسط اورمزد اهریمن بیهوش می شود و سه هزار سال در جهنم به همین صورت می ماند .

پس از بیهوشی اهریمن اورمزد آفرینش گیتی را آغاز می کند . او از زمان بی کران زمان محدود یا کرانه مند را می آفریند تا در هنگام مناسب آفرینش را به حرکت در آورد و سپس آفرینش پدیده های گیتی را آغاز میکند. او در یک سال و در شش نوبت پیش نمونه های شش پدیده ی اصلی آفرینش را می آفریند که عبارتند از: آسمان ، آب، زمین، گیاه، جانور وانسان.

پیش نمونه ی انسان گیومرث است که به معنی " زنده ی میرا" است . موجودی است درفشان مانند خورشید که بالایش به اندازه ی چهار نای است و پهنایش به اندازه ی بالایش . او در کناره ی چپ رود خانه ی دائیتی آفریده میشود او نمونه ی انسان کامل است و برای یاری و کمک به آفریدگار خلق میشود و به همین جهت گیومرث را مرد اهلو (مرد مقدس) نیز نامیده اند.

بعد از به هوش آمدن اهریمن با تشویق همدستانش حمله به جهان را آغاز می کند. اهریمن با کمک یاران و همدستانش موفق می شود به پیش نمونه ی همه ی آفریده ها خلل ایجاد کند بجز گیومرث که حتی با فرستادن استویداد دیو و دیوان مرگ آفرین دیگر هم موفق نشد چون در آغاز دشمنی اهریمن با آفریدگان گیتی ، زروان عمر و سلطه ی گیومرث را سی سال تعیین کرده بود. و قبل از حمله ی اهریمن اورمزد گیومرث را به خواب سی ساله ای فرو می برد که پس از بیدار شدنش اوضاع آشفته ای که توسط اهریمن در میان آفریدگان بوجود آمده بود. نبردی که میان نیکی و بدی در جریان بود را می بیند. "سرانجام گیومرث در زمانی که برایش مقدر شده بود به پهلوی چپ می افتد و میمیرد. فلزات از بدن او به وجود می آیند و نطفه ی او که در موقع درگذشتن به زمین می ریزد در نور خورشید پالوده میشود دو سوم آن ایزد نریوسنگ، ایزد مردانگی نگهداری میکند و یک سوم آن را اسپندارم و ایزد بانوی زمین.

شیطان بعد از پیروزی بر قلمرو نیکی توسط مینوی آسمان و فروهر های مردمان در این قلمرو زندانی میشود و به وسیله ی بارانی که تیشتر ایجاد میکند بدیها فرو شسته میشوند و زمین بارور میشود موجودات زنده دوباره به وجود می آیند و زندگی دوباره جریان می یابد "از آمیزش نطفه ی پیش نمونه ی انسان با زمین نخستین زوج بشر تکوین می یابد و پدر و مادر نسل بشر پیدا میشوند.

اورمزد پدر و هم مادر آفرینش است گفته میشود که به عنوان مادر نطفه ی جهان مینوی در او بسته میشود و به عنوان پدر آنها را به صورت مادی (گیتی) به دنیا می آورد. اهریمن به نوبه ی خود زادگان خویش را از طبیعت بد خود می آفریند یا بهتر بگوییم بد آفرینی میکند موجب پیدایش همه ی موجودات شریر مانند گرگها و قورباغه ها و گرد بادها و طوفانها و جزام و مانند آنها میشود.

نخستین زوج بشر از نطفه ی گیومرث که بر زمین ریخته بود پس از چهل سال به صورت گیاهی که بنا بر نظر برخی شاخه ای ریواس بود رویید و در واقع هفت یا ده نسل بشر که در سر تا سر جهان پراکنده شده اند. از همین گیاه به وجود آمده اند. این گیاه دارای دو شاخ و پانزده برگ است که نشان دهنده ی سن(مشی و مشیانه)(همان دو شاخه ی همزاد می باشند) در آغاز این دو شاخه از ناحیه کمرگاه به گونه ای به هم پیوند خوردند که تعیین جنسیت آنها امکان ندارد و از نظر اندازه و شکل کاملا همانندند تا اینکه " دو گیاه به صورت انسان درمی آیند و " روان" به گونه ی مینوی در آنها داخل میشود.

و اندیشه ی مینوی و مسئولیتها یشان توسط اورمزد به آنها القا می شود اما اهریمن همچنان در کمین است تا اینکه این دو را منحرف کند و اهریمن بر اندیشه ی آنان تاخت و آنان نخستین دروغ را بر زبان آوردند که گفتند اهریمن آفریدگار است.

این نخستین و شاید بدترین گناهی بود که اولین زوج بشر مرتکب شدند. این آغاز سرگردانی نسل بشر بود و پس از آن نیز به طرف گناهان بیشتری سوق یافتند و نیروهای شر بر آن دو تسلط یافتند و به تاوان آن گناه تا مدتی طولانی از داشتن فرزند محروم شدند و بعد از توبه توانستند با هم وصلت کنند و صاحب فرزند شوند جفتی که پس از نه ماه توسط مشیانه متولد می شود آنقدر به چشم پدر و مادر شیرین است که آن دو را می خورند. اورمزد از آن پس از شیرینی فرزند می کاهد تا توسط پدر و مادر خورده نشوند و به این صورت نسل بشر دوام پیدا کند " سرانجام مشی و مشیانه وظیفه ی خویش را با بدنیا آوردن همه ی نژادهای بشر به انجام رسانیدند.

آفرینش انسان از دیدگاه اساطیر هند:

در اساطیر هند راجع به مبدا انسان تصورات متفاوتی است. ظاهراً هندیان نوع بشر را کلا از نسل انسان نخستین میدانند. در بین اساطیر جهان، هند به علت دارا بودن ملیت های فراوان، دارای اسطوره های مختلفی نیز می باشد. اساطیر متنوع هند را می توان در دو گروه عمده بررسی کرد یکی اساطیر ودایی و دیگر اساطیر برهمنی که حاصل اختلاط اساطیر ودایی با داستانهای بومی است. در ریگ ودا (اثر باقیمانده از هندو آریایی) جهان از اعضای غول خدایی به نام پروشا به وجود می آید اما بقیه داستانهای آفرینش هندی ترکیبی از داستانهای آریاییان و بومیان است. مخصوصاً در اسطوره هایی که پرچاپتی نقش این خدای تریانی را بازی می کند.

وقتی پرچاپتی از اقیانوس آغازین برخوردار است، به پیرامون خویش نگاه کرد و گریست. از سرشکی که رو به بالا جستن زد آسمان شکل گرفت سپس پرچاپتی "پوسته ی تن خود را مرو افکند و از این پوسته ها" اسوره ها" آفریده شدند. تاریکی زاده شد. انسان، نور، ماه، فصل ها، بامداد و شامگاه، خدایان، روزها و سرنجام مرگ پدید آمد.

در واقع کم کم "برهما" جایگزین پرچاپتی میشود و اوست که در اساطیر هند آفریننده ی همه چیز میشود. در داستان آفرینش "برهما" حرف از تخم گیلهانی است "در هنگام خلقت بیضه ی جهان خود را به دو بخش تقسیم نموده یکی بخش نقره ای و دیگری بخش طلایی. قسمت نقره ای به زمین تبدیل شد و بخش طلایی آسمان از پوشش خارجی بیضه، کوهها پدید آمد و پوشش داخلی آن ابرها را ساخت و رگهای داخل تخم به رودخانه تبدیل شدند و از مایع داخل آن اقیانوسها شکل گرفت" از تلفیق داستانهای فوق اسطوره آفرینش برهما شکل گرفته. برهما خدای آفریننده ی هندو میباشد که دارای سه جلوه است آفریننده به نام برهما، نگه دارنده به نام ویشنو و ویرانگر به نام "شیوا-وردرا".

برهما در ابتدای آفرینش، تخم نخستین گیلهانی را میشکافت تا جهان را دوباره حیات بخشد. نخست آب، آتش، هوا، باد، آسمان، زمین، کوهها و درختان را روی زمین می آفریند. آنگاه در کار آفرینش ایزدان، اهریمنان و آدمیان میشود. نخست از لمبر خویش اهریمنان رامی آفریند. آنگاه بدنش را دور می افکند و از آن تاریکی را شکل میدهد که ما آن را شب می نامیم و به دشمن خدایان تعلق دارد سپس بدن دیگری به دست می آورد و از صورتش خدایان را خلق میکند. پس از آن باز بدنش را بیرون می افکند و با قوه ی تمرکزی که دارد، آدمیان، راکشاساها، ماران و پرندگان را شکل میدهد سپس از دهانش بزها و از سینه اش گوسفندان، از شکمش گاوها و از موهایش گیاهان را می آفریند.

طبق نوشته ی ورونیکا ایونس در کتاب اساطیر هند "یمه" و خواهر همزاد او "یمی" نخستین زن و مرد جهان بودند. آنان فرزندان ویوسوت، خورشید برخوردار در آسمان، و سارینو دختر توشتری بودند. یمه و یمی به تمنای یمی و در حالی که یمی از ناخشنودی وارونا و میترا بیمناک بود زن و شوهر شدند و نسل انسان از آنها تولد یافت.

در روایت دیگر سخن از "مانو" است. در ادامه آفرینش ترکیبی، سیمایی جدید به نام "مانو" پدیدار میشود. او نخستین انسان و عارف و فرزانه ایست که بعد از انحلال بزرگ (در پایان عصر بزرگ) زنده میماند تا دیگر بار جهان را هستی بخشد. در آیین برهمنی و قانون مانو فرزندان عارف و ریاضت کشیده میتوانند به قدرتی برتر از خدایان که در پایان هر عصر مجذوب روح جهان میشوند به دست آورند بدین روایت مانو روح خود آفریننده ایست که با آرزوی آفرینندگی، آفریننده میشود؛ که در این نقش چون خدای عشق یا آرزو کامه است. او با آرزوی آفرینش، نخست نارا یا اقیانوس آغازین را از تن خود هستی بخشید. در اقیانوس آغازین دانه ای افشاند و از این دانه تخمی زرین و درخشان چون خورشید پدید آمد. پس روحی خود آفریده که اورا نارایانا می نامد در درون تخم جای گرفت (نارایانا پس از راه یافتن به درون تخم جهان "برهما" و گاه "پروشه" نام می گیرد) پس از یک سال "برهما" تن خود را به دو پاره تقسیم کرد، نیمه ای نر و نیمه ای ماده و از نیمه ی ماده موجودی نر موسوم به "ویراج" و از ویراج "مانو" هستی یافت و مانو جهان را آفرید. همانطور که ملاحظه شد این اسطوره کامل ترین داستان آفرینش هندو که همه ی اساطیر قبلی را در خود دارد و از نظر تاریخ پیدایش می باید از همه ی آنها جدید تر باشد. از طرفی زنجیره ی خلقت این اسطوره کاملاً آشکار است "مانو" که آفریننده است پس از یک سلسله آفرینش دوباره آفریده میشود تا جهان را خلق کند. این خصیصه یعنی ادواری و مسلسل بودن خلقت را در ادوار آفرینش هندو نیز میتوان دید که عمر جهان راهزار "مهائیوگا" میدانند که هر مهائیوگا نیز خود به چند "یوگا" تقسیم میشود.

## نتیجه گیری:

طبق آنچه بیان شد در اساطیر هند، جهان آفریننده ی غول خدای نخستین است یعنی از قربانی شدن پروشا است که جهان مادی ایجاد میشود. این مورد را میتوان با اساطیر ایران مطابقت داد. البته در اساطیر بین النهرین و چین نیز این روایت وجود دارد. در اساطیر ایران "روایت پهلوی" آمده است که اهورا مزدا اخگر پاره ای را به صورت تن در آورد و پدیده های اصلی را از اجزای غول نخستین ساخت. البته به نظر میرسد که گیومرث همان غول خدای نخستین "پروشا" باشد به این خاطر که هر دو منشا تداوم نسل بشر هستند و هر دو با قربانی شدن باعث به وجود آمدن انسان میشوند و هر دو

ظاهری بزرگ و هیكلی تنومند دارند البته حیطه ی آفرینش پروشا خیلی گسترده تر از گیومرث میباشد و به نوعی میتوان آن را با اورمزد تطابق داد. یمه و یمی را میتوان با مشی و مشیانه در اسطوره ی ایران تطابق دارد ازدواج خواهر و برادر همزاد با هم و تداوم نسل بشر توسط آنها .

#### منابع

1. آموزگار، ژاله، (۱۳۷۴)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
2. یونس، ورونیکا، (۱۳۸۱) اساطیر هند، ترجمه: باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر.
3. اوستا، (۱۳۸۱)، (کهن ترین سرودهای ایرانیان، گزارش ها و پژوهش دوستخواره، تهران، جلد ۲، ۱، نشر مروارید.
4. بهار، مهرداد، (۱۳۶۲)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات طوس.
5. کیش، ها، (۱۳۷۷)، تفسیر و تالیف ابراهیم پور داوود، تهران، جلد ۲، ۱، انتشارات اساطیر.
6. دادگی، فرنیغ، (۱۳۸۰)، بندهشن، گزارنده: مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس.
7. ذکر گو، امیر حسین، (۱۳۷۷)، اسرار اساطیر هند، خدایان ودایی، تهران، انتشارات فکر روز.
8. روایت پهلوی، (۱۳۶۷)، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، موسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
9. روزنبرگ، دونا، (۱۳۷۵)، اسطوره های خاور دور، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، مشهد، انتشارات ترانه.
10. روزنبرگ، دونا، (۱۳۷۹)، اساطیر جهان، داستانها و حماسه ها، ترجمه: عبدالحسین شریفیان.
11. رضایی، مهدی، (۱۳۸۳)، آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران، انتشارات اساطیر.
12. علی پور چارراهی، (۱۳۸۵)، بررسی و تطبیق اساطیر آفرینش ایرانی با سایر اساطیر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروز آباد، پایان نامه ی کارشناسی ارشد.
13. کرتیس، سر خوش، وستا، (۱۳۸۳)، اسطوره های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
14. کزازی، میر جلال الدین، (۱۳۷۲)، (رویا، حماسه، اسطوره، تهران، نشر مرکز.
15. هینلز، جان، (۱۳۶۸)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران، نشر چشم.
16. عطایی، امید، (۱۳۷۷)، آفرینش خدایان، راز داستانهای اوستایی، تهران، موسسه ی انتشارات عطایی.